



درگذشت استاد ادبیات عرب

محمد فاضلی، استاد برجسته زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد، در سن ۸۷ سالگی درگذشت. او متولد سال ۱۳۱۷ در روستای دایه سلیمان شهرستان سقز بود و بیش از نیم قرن در گروه زبان و ادبیات عربی و تاریخ ادبیات فرانسه دانشگاه فردوسی مشهد به تدریس و پژوهش مشغول بود. از جمله آثار منتشرشده فاضلی می توان به «سیبویه پیشوای نجوان»، «دراسه ونقد فی مسائل بلاغیّه هامة»، «التعریف بالمتنبی من خلال شعاره»، «مختارات من روائع الادب العربیّه»، «محاکمه انسان و حیوان» و «پژوهشی در برخی از شیوه های بیان قرآن کریم» اشاره کرد. همچنین «شرح الشواهد الشعریة فی جواهرالبلاغه» از دیگر طرح های تحقیقاتی اوست. محمد فاضلی از محضر اساتیدی چون شادروان عبدالحمید بدیع الزمانی، شادروان امیر حسین یزدگردی و ابوالقاسم گر جیف بهره فراوان برده و استاد بدیع الزمانی، استاد راهنمایش در دوره ارشد و دکتری بوده است. روز گذشته انجمن آثار مفاخر و اسناد دانشگاه فردوسی مشهد، خبر درگذشت استاد ادبیات عرب را اعلام کرد.



اعتراض متفاوت مک کارتنی به هوش مصنوعی

پل مک کارتنی، عضو سابق بیتلز و یکی از برجسته ترین چهره های موسیقی بریتانیا، با انتشار یک قطعه تقریباً بی صدا در آلبومی اعتراضی، به کمپین هنرمندان علیه استفاده بدون اجازه هوش مصنوعی از آثار خلاقانه پیوست. این اثر دودقیقه و ۴۵ ثانیه ای، نخستین کار مک کارتنی پس از پنج سال است که فاقد ملودی و ریتم قابل خواندن است و تنها صداهای آرام و گهگاه نامشخص شنیده می شود. هدف او روشن است. ازاین جهت که اگر شرکت های هوش مصنوعی بدون پرداخت حق الزحمه آثار موسیقیدانان را استخراج کنند، اکوسیستم موسیقی نابود شده و تنها سکوت باقی می ماند. این اقدام در چارچوب فشار هنرمندان از جمله کیت بوش، هانس زیمر و پت شاپ بویز بر دولت بریتانیا برای قانون گذاری علیه سوءاستفاده فناوری ها از آثار هنری صورت گرفته است. مک کارتنی هشدار داده که بی توجهی به این مسئله می تواند مسیر حرفه ای آهنگسازان جوان را نابود کند.



جنجال مصاحبه با هانی کرده و حذف برنامه

اخیراً در برنامه ای به نام «رکشو»، مصاحبه مجید واشقانی با هانی کرده، شرور معروف، حاشیه ساز شده است. مخاطبان و رسانه ها از این مصاحبه انتقاد کرده و گفته اند، حضور فردی با سابقه کفری، نه تنها جذابیتی ندارد، بلکه اثرات منفی و بدآموزی هم خواهد داشت. سردار احمد رضا اراد، فرمانده کل فراجا هم در واکنش به این موضوع تأکید کرده در حالی که پلیس برای بر خورد با ارادل و اوپاش در میدان حاضر است، مصاحبه با چنین افرادی در شبکه های اجتماعی، پیام نادرستی به جامعه منتقل می کند. او گفته است: «حضور پلیس در فضای مجازی لازم و واجب است و اگر فردی در فضای مجازی عرض اندام کند، همان رفتار مجرمانه در فضای واقعی را دارد و با او برخورد خواهد شد.» با بالا گرفتن انتقادهای دست اندرکاران برنامه «رکشو» دیروز مصاحبه هانی کرده در شبکه های اجتماعی را به دلیل آنچه خطراتی در پافتی عنوان شده، حذف کردند.



گروه فرهنگ: چندی پیش بیژن عبدالکریمی در گفت وگویی با «انصاف نیوز» به تفسیر روشنفکران ایرانی از مقوله دموکراسی نقدهایی بنیادین وارد کرد و گفت: «این دموکراسی از اتاق فکرهای ناتو و موساد به زبان روشنفکر و مردم ما آمده است.» از نظر عبدالکریمی، واقعیت دموکراسی را باید در غزه، لیبی و سوریه دید، هدف اصلی دیسکورس دموکراسی در خاورمیانه، تضعیف قدرت ملی است، بنابراین دموکراسی «لقلقه زبانی است که می خواهد پروژه های سیا و موساد در خاورمیانه را تحقق بخشد.» این سخنان واکنش احمد زیدآبادی را برانگیخت و او در یادداشتی در صفحه ی شخصی خود نوشت: «در دنیای کنونی به خصوص در جامعه ما، چسباندن گفتمان دموکراسی به ناتو، سیا و موساد، موجب بدنامی دموکراسی نمی شود، بلکه ناتو، سیا و موساد را خوشنام می کند.» او در پایان نیز به عبدالکریمی توصیه کرد بیش ازاین در این مسیر پیش نرود؛ زیرا «گام بعدی در این مسیر، دفاع عربان از استبداد و مشروعیت دادن به سرکوب دموکراسی است.» بعد از این، اما این دو تحلیلگر در مناظره ای در «دیدارنیوز» روبه روی یکدیگر نشستند تا درباره مفهوم دموکراسی و چرایی طرح سخنان عبدالکریمی به گفت وگو بنشینند. در ادامه این مناظره تقدیم خوانندگان «هم میهن» خواهد شد.

▼ سازش و گفت وگو منفی نیست

احمد زیدآبادی: اخیراً دکتر عبدالکریمی صاحبه ای داشتند با «انصاف نیوز» و آنجا اشاره کردند به اینکه دموکراسی گفتمانی ناتویی و اسرائیلی است. ما البته از نظر شخصی روابط دوستانه ای داریم و از باب «صدق بالحسنی» هیچ وقت نیز نیت او را زیرسوال نبرده ام. آثار نظری اش را نیز ارزشمند می دانم. باین همه به گمانم ایده های انتزاعی و نظری او وقتی به تحلیل مناسبات عینی ما و شرایط ایران و منطقه می پردازد، دگرگون شده و بدین ترتیب سخنی که می تواند در عرصه نظری، روشنگر و کمک کننده باشد و دید را عمق و وسعت بخشد، در تحلیل عینی به جای اینکه مشکل را حل کند، خود به بخشی از مشکل تبدیل می شود. عبدالکریمی البته می گوید، مسئله اش امر ملی و حفظ ایران است اما توصیف او از شرایط منطقه، نظم جهانی و تجویزی که متناسب با آن توصیف دارد، از قضا ممکن است بسیار خطرناک باشد و ایران را بر باد دهد. اعمال انسانی (چه در حوزه شخصی، چه در حوزه زندگی جمعی، چه در سطح دولت ها) هیچ کدام امور مقدس و مطلق نیستند و متناسب با شرایط می توان مقاومت یا سازش، جنگ یا صلح کرد. اینها وابسته است به شرایط. به گفته عبدالکریمی، اما بحث «مقاومت» را چنان مطلق و مقدس کرده اند که گویی ابزارهای حکمرانی مثل گفت وگو، سازش و توافق که همگی برای زندگی انسانی ضروری است، اموری منفی اند و اگر کسی از آنها حرف بزند، خیانت پیشه کرده است. چنین دیدگاهی کشور را گرفتار می کند، به خصوص در شرایط کنونی که خطرات کاملاً بی سابقه ای ایران را تهدید می کند.

جدا از این ایراد به نگرش عبدالکریمی، ایراد بعدی وقتی پدیدار می شود که بعد از رادیکال شدن در موضوع مقاومت، این رادیکالیسم به مفاهیم دیگر مثل دموکراسی نیز در حال تسری است. خب، من نیز باتوجه به حرفه و تحصیل با عیوب و کاستی های دموکراسی آشنا هستم؛ از بحث های سقراط، افلاطون و ارسطو بگیر تا مباحث معاصر. زمانی استدلال این است که دموکراسی بی عیب نیست و در خود تناقضی دارد. من هم این را می پذیرم. زمانی اما گفته می شود که شرایط اجتماعی امروز یا حتی شرایط تاریخی ایران، نهاده نشده دموکراسی را پس می زند و بر نمی تابد زیرا ریشه های اجتماعی، اقتصادی و فکری شکل نگرفته است. این را هم می شود درباره اش بحث کنیم. اما چیزی که محل ایراد من است این است: ایشان قبلاً گفته اند که دموکراسی یک شر ضروری است درحالی که به نظر من دموکراسی اصلاً شر نیست، بلکه خیر است اما خیر ناقص است. شر دانستن دموکراسی، مسبب مشکلات زیادی خواهد شد. اصلاً اگر دموکراسی را شر بدانیم، دیگر نباید حتی ظاهراً آن را ضروری نیز دانست چون خیلی از کشورهای دنیا اصلاً به آن تن هم ندادند و می گویند هیچ ضرورتی هم ندارد و به جای آن انواع رژیم های استبدادی و بسته بنیاد گذاشتند. در

بدون دموکراسی و رضایت مردم مقاومت ممکن نیست

مناظره بیژن عبدالکریمی و احمد زیدآبادی درباره نسبت میان دموکراسی در خاورمیانه با اتاق فکرهای ناتو و موساد

گام بعدی که بسیار نگران کننده می نماید و همین هم باعث واکنش من شد، این است که گفتمان دیپلماسی را به ناتو نسبت دادند که سازمانی نظامی متشکل از ۲۷ کشور است. وارد کردن ناتو به بحث دموکراسی، اشتباه است و معنای این فکر که دموکراسی پروژه ای است از جانب سیا یا موساد، معنایش این است که باید دموکراسی را بوسید و گذاشت کنار.

دموکراسی می تواند اشکال مختلفی داشته باشد اما یک چیز در همه مدل های دموکراسی مشترک است و آن چیزی نیست جز رضایت مردم یا رضایت اکثریت مردم. این رضایت به اشکالی چون نمایندگی پارلمانی یا... احراز می شود. حال اگر این رضایت را به عنوان پایه حکمرانی نفی کنید، نتیجه اش می شود اینکه هر کسی زور دارد، برود بالا و بگوید دموکراسی شر است، ضرورتی هم ندارد و بدتر از آن پروژه ای استعماری مربوط به سازمان سیا و موساد است. بنابراین من چون نمی خواهم در دام این سازمان ها بیفتم، اجازه نمی دهم مخالفان حرف زیادی بزنند. حرف های آنها هم بازی کردن در زمین پروژه سیاد و موساد است. این گونه جلوی عرضه حرف های تئوریک هم گرفته می شود و از فردا اگر کسی خواست از لزوم رضایت مردم، آزادی مردم در انتخاب نمایندگان و تلاش مدنی و سیاسی برای طرح مطالبات سخن بگوید، متهم می شود به اینکه دارد پروژه سیا و موساد را پیگیری می کند. شاید البته این تبعات در ذهن عبدالکریمی نبوده، اما از این سخن چنین تبعاتی بر می آید. باز اگر عبدالکریمی فقط فردی دانشگاهی بود و مخاطبانی در درون سیستم نداشت، من چندان نگران نبودم از این حرف ها اما می دانم که الان عبدالکریمی در بین حامیان سیستم و آنچه خودش گفتمان انقلاب اسلامی می نامد، مخاطبانی دارد و این سخنان خیال این حامیان را راحت می کند. پیش از آن بر اساس نظرات مصباح یزدی می گفتند چیزهایی چون دموکراسی از دستاوردهای غربی است و اصلاً با اسلام سازگار نیست. این بحث آنها البته الکن بود اما اینک یک دفعه مسلح می شوند به این توجیه که عبدالکریمی استاد فلسفه و مارکس و هایدگر خوانده که غرب، مدرنیته و روشنگری را هم می شناسد، چنین بحثی را دارد و دموکراسی را شر می داند.

▼ بدیل دموکراسی چیست؟

با این تفسیر نقد من از این قرار است: اگر به دموکراسی خیر می گوئیم، جایگزین اش چیست و آن جایگزین مشروعیت خود را می خواهد از کجا بیآورد؟ بهر روی دموکراسی حداقلی، عمری چند هزار ساله دارد و در یونان باستان، جمهوری روم و حتی در خلافت اسلامی عصر خلفای راشدین به سطوحی از آن همچون پدر رضایت مردم و حق اعتراض به حاکمان توجه می شده است. جلدن با نیز در پی این داستان بودند تا اینکه امروز رسیده ایم به نظری عبدالکریمی که دموکراسی گفتمان موساد است و هدف از اشاعه آن، تسلط بر ماست. چنین دیدگاهی به نظر من بسیار فاجعه آمیز است.

▼ دموکراسی پروژه سیا و موساد نیست

بیژن عبدالکریمی: مشکل این بحث این است که محل اصلی نزاع روشن نیست، بنابراین در مقدمه باید گلایه بکنم از وضعیت فرهنگی جامعه مان که در آن بحث های بسیار جدی، سطحی و مبتذل می شوند. یکی از دلایل این ابتذال، خلط کردن دو مرتبه گوناگون بحث است. البته خوشبختانه دکتر زیدآبادی چنین خلطی را نکرد. بهر روی زمانی بحث ما در حوزه فلسفه سیاسی است و زمانی در مورد مسائل اینجا و اکنون بحث سیاسی می کنیم. نباید مباحث حوزه فلسفه سیاسی را با مباحث حوزه سیاست در معنای روزمره اش خلط کرد. البته می پذیرم که بین این دو امر، رابطه ای وجود دارد و متوجه ام که فلسفه سیاسی در حوزه سیاست به مفهوم روزمره اش دخالت دارد اما این دو، یکسان نیستند.

کار روشنفکر، نخیه و مصالح اجتماعی کمک به جامعه برای بهتر فکر کردن و بهتر فهمیدن مطالب است. گاهی اما کنشگران



سیاسی و اجتماعی ما نه فقط به جامعه کمک نمی کنند که بهتر بفهمد بلکه جامعه را گیج و گنگ می کنند. این امر را البته به همه کنشگران نسبت نمی دهم و این امر در مورد احمد عزیز به هیچ وجه صادق نیست ولی کسانی هم هستند که چنین کاری را می کنند. لذا وقتی من در مورد دموکراسی بحث می کنم، باید به سیاق بحث من نیز توجه داشت. این اصل اول هر منوتیک است که هر عبارتی یا تکستی باتوجه به زمینه اش یا کانتکست اش معنا پیدا می کند و ما حق نداریم یک متن را از سیاق و بافت اش جدا بکنیم. مفاهیم، ایده ها و گزاره ها ساقبم کنند. نکته دیگر اینکه سخن من در نقد دموکراسی یک بحث است و نتایج و پیامدهای آن برای جامعه سخنی دیگر است. بنابراین دکتر زیدآبادی خوب است به من بگوید که بانفس نقدهای من به دموکراسی مخالف است یا دل نگرانی دارد که حرف های من ممکن است آب به آسیاب استبداد و سرکوب نیروهای اجتماعی بریزد؟ اینها دو بحث گوناگون هستند. من می توانم با احمد عزیز در مورد قسمت دوم موافق باشم و البته باید اضافه کنم که ما در این موضع هم با یک وضعیت پارادوکسیکال مواجه هستیم که جامعه ما و جامعه نخبگان ما بدان توجه ندارند.

گله مندی من از احمد عزیز این است که در نوشته اش در نقد من، با عنوان «ایا دموکراسی پروژه سیا و موساد است؟» سخنی را به من نسبت می دهد که به نظر من فقط یک احمق می تواند چنین جمله ای را بر زبان بیآورد و بگوید دموکراسی پروژه سیا و موساد است. مقولاتی مثل دموکراسی و حقوق بشر به هیچ وجه پروژه های سیا و موساد نیستند و منی که معلم فلسفه و کل تاریخ متافیزیک ام، شاید بهتر از احمد بدانم که چطور اندیشه دموکراسی ریشه در متافیزیک یونانی و اندیشه سوفسطایی دارد؟ می دانم که چگون بنین نوموس و لوگوس درگیری رخ می دهد و پاره ای روی نوموس دست می گذارند و پاره ای روی ارزش های بشری. نیز می دانم که چطور حقوق بشر، دموکراسی و اعتقاد به کرامت انسانی ریشه در ادیان الهی دارد. همینطور می دانم چطور اندیشه حقوق بشر و دموکراسی ریشه در حقوق ذاتی برای انسان قائل شدن دارد. خود این حقوق ذاتی در ادامه حقوق طبیعی مطرح می شود و حقوق طبیعی نیز ریشه در حقوق الهی مطرح در کتب مقدس دارد. بعد این ایده ها وارد اندیشه های لاک، کانت و متفکران عصر روشنگری می شود و جریان نیرومند لیبرالیسم را شکل می دهد. لذا فقط یک احمق می تواند بگوید مقولاتی مثل دموکراسی و حقوق بشر پروژه های سیا و موساد است. پس گله من این است که چرا باید سخن من توسط یک دوست و روشنفکر برجسته و شرف اهل قلم این کشور، این همه سطحی و مبتذل فهم و تفسیر بشود. این به نظر من نشانگر وجود یک بیماری و تروما در جامعه ما و در جامعه نخبگانی ماست. سوال من این است که آیا من دموکراسی را به نحو مطلق نقد کردم یا سخن بر سر سوءاستفاده قدرت های بزرگ جهانی از ایده ها و مقولاتی چون دموکراسی، حقوق بشر، مبارزه با تروریسم به منزله یک گفتمان است؟ تو با من موافق نیستی که این مفاهیم به عنوان دیسکورس در خدمت قدرت های بزرگ هم هست؟ باز فقط یک احمق می تواند انکار بکند که در جهان امروز، دموکراسی، حقوق بشر و مبارزه با تروریسم یعنی آنچه همسوا با منافع قدرت های بزرگ است. نمی گویم کل مسئله در این امر خلاصه می شود اما این یک وجه از قضیه است. چطور می شود حوادث جهان کنونی نظیر حوادث غزه را دید و چنین فکر نکرد؟ مصاحبه حامد کرزای را به یاد بیاوریم که گریه می کرد و می گفت، من به آمریکایی ها گفتم که چرا وقتی مردم ما کشته می شوند جزء تروریسم نیست؟ و جواب شنیدم، هر جا که منافع آمریکا به خطر بیفتد، تروریسم آنجاست. آیا با من در این خصوص همدل نیستی که در نظام تبلیغاتی روزگار ما از مقولاتی مثل دموکراسی و حقوق بشر به شدت در جهت منافع قدرت های بزرگ استفاده می شود؟

▼ دموکراسی مقدس نیست

نکته بعدی بر سر اولویت بندی مسائل است. فرض کنید کشوری زیر چکمه قدرت های استعماری است؛ چیزی شبیه